

بررسی تاثیر فرهنگ فقر بر بروز انحرافات اجتماعی در محله های فرودست شهر اراک

(نمونه موردی: محله باغ خلیج اراک)

عباس خسروانی، رضاعلی محسنی، حبیب صبوری خسروشاهی

چکیده:

هدف از انجام این پژوهش بررسی تاثیر فرهنگ فقر در محله های فرودست شهر اراک بر بروز انحرافات اجتماعی در این محله ها است. برای این منظور شاخصه های فرهنگ فقر شناسائی و تاثیر آنها بر ۳ انحراف عمده اجتماعی این محله ها یعنی مصرف مواد مخدر، سرقت و نزاع مورد بررسی قرار گرفت. بر اساس گزارش هیئات مناطق شهری در ۳۰ سال آینده مهمترین کانون رشد جمعیت جهان خواهند بود و با این افزایش جمعیت، دولت ها در کشورهای در حال توسعه با چالش نرخ رشد بالای فقر مواجه هستند. شهری شدن فقر از بزرگترین چالش های توسعه جهانی است که در صورت تداوم روند نامطلوب کنونی، در طی سه دهه آتی شامل دو میلیارد نفر ساکنان نواحی فرودست شهری خواهد شد. چارچوب نظری این پژوهش بر اساس نظریه فرهنگ فقر تشکیل شده است. در این پژوهش از روش پیمایش استفاده شده است. نمونه آماری ۳۷۲ نفر است که با روش نمونه گیری ۳ مرحله ای سهمیه ای، خوشه ای و تصادفی ساده از بین حدود ۱۲ هزار نفر ساکنان محله باغ خلیج اراک انتخاب شده اند. یافته های این پژوهش نشان داد که هر سه انحراف اجتماعی در محله باغ خلیج از سطح بالائی برخوردارند و ارتباط معنا دار مستقیمی با سطح فرهنگ فقر دارند. نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که مقدار ضریب همبستگی چندگانه مدل رگرسیونی و ضریب تعیین متغیر مستقل، به طور معنا داری متغیر وابسته را پیش بینی می کنند. نتایج تحلیل مسیر نشان داد که اثر فرهنگ فقر بر روی انحرافات اجتماعی چهار گانه پژوهش معنی دار است. در این پژوهش به منظور کنترل و کاهش مولفه های فرهنگ فقر و انحرافات اجتماعی در محله های فرودست شهری، راهکار توانمند سازی ساکنان با رویکرد اجتماع محور در ابعاد اقتصادی، فرهنگ و اجتماعی پیشنهاد شده است.

کلید واژه ها: انحرافات اجتماعی، محله های فرودست شهری، توانمند سازی، فرهنگ فقر

مقدمه و بیان مسئله

محله های فرودست شهری^۱ نمادی از فقر شهری و گسترش آن در طول زمان است که عمدتاً ناشی از مهاجرت های بی رویه، نوسانات اقتصادی، رشد شتابان شهر نشینی و بی توجهی به نیاز مسکن و سرپناه اقشار کم درآمد است.

فقر شهری، بیش از یک سده است که موضوع مورد بحث جامعه شناسان، اقتصاددانان و سیاست مداران است. به علت تمرکز فزاینده و تأس بار فقر در شهرها، بحث بر سر علل، عواقب و نیز راه حل های مبارزه با آن به خصوص در دهه های اخیر، بسیار مورد علاقه بوده است. (Curley, ۴۱۱۲)

جهان امروز به سرعت به سمت شهری شدن پیش رفته و می رود. گزارش های رسمی نهادهای وابسته به سازمان ملل متحد نشان می دهد که در سال ۲۰۰۳ حدود نیمی از جمعیت جهان یعنی جمعیتی بالغ بر ۳ میلیارد نفر در مناطق شهری زندگی می کرده اند و با توجه به فرایند موجود، احتمال اینکه این جمعیت تا سال ۲۰۳۰ به ۳ تا ۵ میلیارد نفر برسد زیاد است. به عبارتی تا سال ۲۰۳۰ چیزی در حدود ۶۰ درصد کل جمعیت جهان در مناطق شهری زندگی خواهند کرد. نکته مهم این است که اکثر این جمعیت در کلان شهر هایی ساکن خواهند شد که در کشورهای معروف به در حال توسعه قرار دارند. همچنین در این کلان شهر ها، اکثر این جمعیت در مناطق فرودست شهری اسکان می یابند. به عبارتی پیش بینی می شود اگر مواجهه با جمعیت شهری در حال گسترش این کشور ها، با برنامه ریزی دقیق و مناسبی همراه نباشد، تعداد ساکنین محلات مذکور تا سال ۲۰۳۰ به دو برابر افزایش پیدا کند.^۲

یکی از عوارض این پدیده گسترش، تولید و بازتولید فقر شهری است. "فقر شهری مجموعه ای از فقر انتقال یافته از جامعه روستایی (توسط مهاجران به شهر) و نیز فقر تولید باز تولید شده در جامعه شهری را در بر می گیرد" (Davis, ۲۰۰۶: ۴۸).

بنا به اعلام برنامه اسکان بشر، در سال ۲۰۰۷ نخستین سالی در تاریخ بشر است که بیش از نیمی از جمعیت جهان در شهرها به سربرده اند (صرافی، ۱۳۸۷: ۷).

کمسیون جهانی آینده شهرها در قرن بیست و یکم میلادی نیز، هشدار داده است که به موازات رشد ابرشهرها، فقر شهری در کشورهای جنوب افزایش یافته و بخش عمده ای از رشد شهرنشینی بر پایه اقتصاد غیررسمی و همراه با گسترش سکونت گاه های غیررسمی صورت خواهد گرفت و این گرایش را غیررسمی شدن شهرنشینی نامیده است. (Hall & Pfeiff, ۲۰۰۰: ۱۲۴)

^۱ urban slums

^۲ برنامه عمل هیئات و بانک جهانی ۱۹۹۹

محلله های فرودست شهری نماد فضایی و کالبدی فقر در میان فضاها های شهری است. فقر شهری مجموعه ای از فقر انتقال یافته از جامعه روستایی (توسط مهاجران به شهر) و نیز فقر تولید و باز تولید شده در جامعه شهری (توسط جابجایی های درون شهری) را در بر می گیرد.

بر اساس گزارش هیبیتات مناطق شهری در ۳۰ سال آینده مهمترین کانون رشد جمعیت جهان خواهند بود و با این افزایش جمعیت، دولت ها در کشورهای در حال توسعه با چالش نرخ رشد بالای فقر مواجه هستند. این دگرگونی با پدیده شهری شدن فقر همراه بوده به طوری که زمانی فقر بیشتر در روستا نمایان بوده و امروزه به فقر شهری تبدیل گشته است. با این افزایش فقر و کمبود مسکن ناشی از آن، شاهد شکل گیری هر چه بیشتر سکونتگاه های غیررسمی هستیم به گونه ای که جمعیت جهانی این سکونتگاه ها تا سال ۲۰۲۰ در حدود ۸۸۹ میلیون تخمین زده شده است. (Divyani, ۲۰۱۱)

از این رو استنتاج می شود که شهری شدن فقر از بزرگترین چالش های توسعه جهانی است که در صورت تداوم روند نامطلوب کنونی، در طی سه دهه آتی شامل دو میلیارد نفر ساکنان نواحی فرودست شهری خواهد شد (UN-۲۰۰۷, ۶۸: un-Habitat)

گسترش انحرافات اجتماعی نظیر مصرف مواد مخدر، خرید و فروش مواد مخدر، سرقت، نزاع و خشونت های خیابانی، رفتارهای غیر اخلاقی و.. در کلان شهرها به خصوص محله های حاشیه نشین و فرودست شهری، همواره مورد توجه جامعه شناسان بوده است. جامعه شناسان شهری نظیر پارک (۱۹۶۷) ساویچ و وارد (۱۹۹۳) و جامعه شناسان انحرافات نظیر لاوسون و هیتون (۱۹۹۹) و رید (۲۰۰۰) تمایل جوانان حاشیه نشین به رفتار بزهکارانه را از منظر بی سازمانی اجتماعی مورد توجه قرار داده اند. لوییس (۱۹۹۸) حاشیه نشینی را با «فرهنگ فقر» همراه دانسته و ویژگی های خاص روانی، فرهنگی و اجتماعی کسانی که فرهنگ فقر را تجربه می کنند را با «بزهکاری جوانان» مرتبط می داند.

این پژوهش به دنبال پاسخ به این سوال است که آیا تفاوت معناداری بین فرهنگ فقر و انحرافات اجتماعی در محله های فرودست شهری وجود دارد یا خیر؟ و اگر وجود دارد، این تفاوت چگونه است. بر این اساس، فرهنگ فقر به پنج بعد اساسی تقسیم شده است و هرکدام به صورت مجزا بررسی شده اند. مؤلفه های نابسامانی خانوادگی، تعلق محلی، ناامیدی، نابسامانی اقتصادی و در نهایت نابسامانی اجتماعی که با مصادیقی چون داشتن یا نداشتن سواد یا پیگیری اخبار سیاسی سنجیده شده، از نشانه های فرهنگی فقر در نظر گرفته شده است.

ادبیات نظری پژوهش

چارچوب نظری این پژوهش بر اساس نظریه فرهنگ فقر تشکیل شده است. بر اساس نظریه فرهنگ فقر، ساکنان محله های فرودست شهری، ضمن آنکه با فقر مالی خانواده ها تعریف می شوند، به لحاظ فرهنگی و مدنی نیز ویژگی ها و معضلاتی

دارند که باعث عدم پذیرش آنان در جامعه بزرگتر و تثبیت رفتارشان در فرهنگ غالب است. گاهی این الگو، بسیار آسیب زا و لطمه زننده است و نه تنها در دراز مدت باعث آسیب به فرد و جامعه می شود بلکه امید به تغییر شرایط را از بین می برد.

فرهنگ فقر واژه ای است که اسکار لوئیس^۳ در سال ۱۹۵۹ برای بیان نحوه زندگی افراد فقیر و فرودستان شهری وضع کرد. این نظریه زیر مجموعه نظریه های خرده فرهنگی قرار می گیرد. اسکار لوئیس در نظریه فرهنگ فقر، فرایند بازتولید فقر را به ویژه در محله های فرودست شهری و آلونک نشین شهری تبیین و تحلیل کرده است.

لوئیس برای تبیین فرهنگ فقر از نوعی روش شناسی خاص مردم نگارانه از طریق تجزیه و تحلیل زندگی نامه های چندین نفر از اعضای خانواده های بزرگ بهره گرفته است. او برای طراحی نظریه خود از روش مشاهده مشارکتی استفاده کرده و چندین سال با "خانواده سانچز" در مکزیکوسیتی زندگی کرده است و از استدلال های نوآورانه ای بهره گرفته است.

از نظر اسکار لوئیس، فرهنگ فقر پدیده ای است که در شرایط اجتماعی ویژه ای رشد می کند. این فرهنگ بیان کننده مجموعه مشترکی از ارزش ها، هنجارها و الگوی است که با فرهنگ عمومی جامعه متفاوت است. به نظر لوئیس، فقرا شیوه زندگی و خرده فرهنگ خاص خود را دارند. او فقر را دارای ساخت و مکانیسمی عقلایی با شیوه زندگی پابرجایی که از نسلی به نسل دیگری سپرده شده، معرفی می کند. فقر صرفاً جنبه سلبی نداشته و در واقع تنها به معنای محرومیت اقتصادی نیست؛ بلکه فقر شیوه ای از تفکر و مجموعه ای از هنجارهاست که خصلت سازگارکننده نیز دارد. همچنین طی سال های متمادی نسل های مختلف این فرهنگ را به ارث برده و آن را باز تولید کرده اند.

به اعتقاد اسکار لوئیس فرهنگ فقر فر هنگ جدیدی است که در نتیجه برخی تحولات در نظام سرمایه داری و توسعه جوامع شهرنشین به وجود آمده است (فاضلی، ۱۳۸۵).

فرهنگ فقر را می توان در محله های فقیرنشین شهری و روستایی بهتر مطالعه کرد. از نظر او به احتمال زیاد، نامزدان فرهنگ فقر افرادی از طبقات پایین اجتماعی اند که اجتماعشان در معرض دگرگونی سریع قرار گرفته است و در نتیجه تاحدی از اجتماع خود بیگانگی حاصل کرده اند (لوئیس، ۱۳۶۵:۱۰)

به طور کلی، شاخص های مهم فرهنگ فقر در نظریه اسکار لوئیس عبارتند از: "عدم مشارکت فقرا در کار مؤسسه های عمومی به عنوان عضو مسلم جامعه؛ بهره ناچیز آنها از بانک ها، بیمارستان ها، فروشگاه های بزرگ، موزه ها و تالارهای هنری؛ بی اعتمادی به دولت و دارندگان جاه و مقام؛ بیزاری از پلیس؛ اخذ وام از رباخواران محلی با بهره سنگین؛ گرو گذاشتن اشیای شخصی؛ خرید اثاث و لباس کهنه؛ تقدیرگرایی؛ کوتاهی دوران کودکی؛ محروم بودن کودکان از حمایت های لازم، محرومیت افراد از مهر و محبت مادری؛ شروع روابط جنسی در سنین پایین؛ روابط آزاد و یا ازدواج های قراردادی؛ ترک زن و فرزند؛ شکاف زیاد

^۳ Oscar Lewis

در بین اعضای خانواده؛ آزادی و استقلال فرزندان برای ترک خانه؛ منش ضعیف؛ پرخاشگری؛ عدم تمایل به پس انداز؛ کار زنان و جوانان؛ خانه های کوچک پر جمعیت؛ پایین بودن سطح سواد؛ پایین بودن درآمد و داشتن مزد اندک". (لوئیس، ۱۳۷۴)

بر اساس نظریه فرهنگ فقر، محله های فرودست شهری، علاوه بر این که با فقر مالی خانواده ها تعریف می شوند، به لحاظ فرهنگی و مدنی نیز ویژگی ها و معضلاتی دارند که باعث عدم پذیرش آنان در جامعه بزرگتر و تثبیت رفتارشان در فرهنگ غالب است. گاهی این الگو، بسیار آسیب زا و لطمه زننده است و نه تنها در دراز مدت باعث آسیب به فرد و جامعه می شود بلکه امید به تغییر شرایط را از بین می برد.

"فقر به ناتوانی تأمین مسکن و سرپناه در بازار رسمی و شکل گیری سکونتگاه های غیررسمی دامن می زند و وجود این سکونتگاه ها به نحوی دلیلی بر وجود فقر است. اما از سوی دیگر فقر تنها به مناطق آلونک نشین محدود نمی شود و نیز ساکنان آلونک ها همگی فقیر نیستند و حتی وضع بهتری از بسیاری از تهیدستان محله های قدیمی شهر دارند." (پیران، ۱۳۷۶: ۴۶)

فرضیه های پژوهش

فرضیه اصلی پژوهش عبارت است از اینکه، بین فرهنگ فقر و بروز انحرافات اجتماعی در محله های فرودست شهر اراک رابطه وجود دارد. فرضیات فرعی پژوهش نیز عبارتند از:

- بین فرهنگ فقر در محله های فرودست شهر اراک و اعتیاد رابطه وجود دارد.
- بین فرهنگ فقر در محله های فرودست شهر اراک و نزاع رابطه وجود دارد.
- بین فرهنگ فقر در محله های فرودست شهر اراک و سرقت رابطه وجود دارد.

روش پژوهش

در این پژوهش تلاش شد تا تاثیرات فرهنگ فقر در محله های فرودست شهری بر بروز انحرافات اجتماعی از طریق انجام یک پیمایش مورد سنجش قرار گیرد و در این روش از تکنیک پرسشنامه استفاده شده است. جامعه آماری پژوهش حاضر با توجه به ماهیت موضوع، کلیه ساکنان محله باغ خلیج شهر اراک است که تعدادشان بر اساس سرشماری سال ۹۵ تعداد ۱۲ هزار نفر گزارش شده است. روش نمونه گیری در این پژوهش روش ۳ مرحله ای سهمیه ای، خوشه ای و تصادفی ساده است. طبق فرمول کوکران حجم نمونه برابر است با ۳۷۲ خانوار که این محاسبه با سطح خطای ۵ درصد صورت گرفته است. برای تعیین اعتبار ابزار اندازه گیری پژوهش، از ۳ نوع اعتبار صوری، محتوی و سازه ای استفاده شده است. پایایی ابزار جمع آوری اطلاعات با توجه به ضریب آلفای کرونباخ ضریب ۰/۸۰۷ درصد بود که پایایی قابل قبولی را می رساند. در این پژوهش برای انجام

توصیف نتایج از جداول فراوانی، درصد ها و شاخص های مرکزی و پراکندی استفاده شده است. همچنین برای تحلیل نتایج بدست آمده از ضرایب همبستگی به خصوص ضریب همبستگی کندال استفاده شده و همچنین از تحلیل رگرسیون و تحلیل مسیر نیز بهره گرفته شده است.

یافته های پژوهش

فرضیه اول: بین میزان فرهنگ فقر در محله های فرودست شهر اراک و مصرف مواد مخدر رابطه وجود دارد.

جدول (۱) آزمون همبستگی کندال تائو بی دو متغیر فرهنگ فقر با مصرف مواد مخدر

نوع آزمون	ضریب کندال تائو بی	سطح معنی داری
آزمون کندال تائو بی	۰,۵۶۵	۰,۰۰۰
تعداد پاسخگویان	۳۷۲	

با توجه به آزمون کندال تائو بی محاسبه شده به میزان ۰,۵۶۵ با ۱ درصد خطا و ۹۹ درصد اطمینان رابطه بین ۲ متغیر معنی دار است. به عبارت دیگر بین فرهنگ فقر و مصرف مواد مخدر همبستگی متوسطی وجود دارد.

فرضیه دوم: بین میزان فرهنگ فقر در محله های فرودست شهر اراک و سرقت رابطه وجود دارد.

جدول (۲) آزمون همبستگی کندال تائو سی دو متغیر فرهنگ فقر با سرقت

نوع آزمون	ضریب کندال تائو سی	سطح معنی داری
آزمون کندال تائو سی	۰,۶۳۰	۰,۰۰۰
تعداد پاسخگویان	۳۷۲	

با توجه به آزمون کندال تائو سی محاسبه شده به میزان ۰,۶۳۰ با ۱ درصد خطا و ۹۹ درصد اطمینان رابطه بین ۲ متغیر معنی دار است. به عبارت دیگر بین فرهنگ فقر و سرقت همبستگی متوسطی وجود دارد.

فرضیه سوم: بین میزان فرهنگ فقر در محله های فرودست شهر اراک و نزاع رابطه وجود دارد.

جدول (۳) آزمون همبستگی کندال تائو سی دو متغیر میزان فرهنگ فقر با نزاع

نوع آزمون	ضریب کندال تائو سی	سطح معنی داری
آزمون کندال تائو سی	۰,۵۲۵	۰,۰۰۰
تعداد پاسخگویان	۳۷۲	

با توجه به آزمون کندال تائو سی محاسبه شده به میزان ۰,۵۲۵ با ۱ درصد خطا و ۹۹ درصد اطمینان رابطه بین ۲ متغیر معنی دار است. به عبارت دیگر بین فرهنگ فقر و نزاع همبستگی متوسطی وجود دارد.

بر اساس نتایج پژوهش، بین میزان فرهنگ فقر در میان ساکنان محله باغ خلج و انحرافات اجتماعی در این محله رابطه وجود دارد. نتایج پژوهش نشان داد که اکثریت پاسخگویان یعنی ۷۴,۵ درصد آنها میزان فرهنگ فقر را زیاد ارزیابی کرده اند و از سوی دیگر رابطه بین فرهنگ فقر و انحرافات اجتماعی ۳ گانه این پژوهش رابطه معنی داری است و بین آنها همبستگی وجود دارد.

نتایج تحلیل رگرسیون چند متغیره پژوهش

مقدار ضریب همبستگی چندگانه مدل رگرسیونی متغیر و ضریب تعیین مصرف مواد مخدر برابر ۰,۹۷۰ و ۰,۹۴۱ است. یعنی ۹۴ درصد از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیر مستقل تبیین می شود. ضمناً با توجه به آزمون F و اینکه سطح معنی داری محاسبه شده برای این آماره برابر ۰,۰۰۰ بوده و نشان از معنی دار بودن رگرسیون در سطح ۰,۹۹ دارد. بنابراین مدل رگرسیونی خطی برآورد شده مورد قبول است. به عبارتی مدل رگرسیونی می تواند به طور معنا داری (و مناسبی) تغییرات متغیر وابسته را پیش بینی کند. مقدار ضریب همبستگی چندگانه مدل رگرسیونی و ضریب تعیین متغیر سرقت برابر ۰,۸۱۰ و ۰,۶۵۵ است. یعنی ۶۵ درصد از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل تبیین می شود. ضمناً با توجه به آزمون F و اینکه سطح معنی داری محاسبه شده برای این آماره برابر ۰,۰۰۰ بوده و نشان از معنی دار بودن رگرسیون در سطح ۰,۹۹ دارد. بنابراین مدل رگرسیونی خطی برآورد شده مورد قبول است. به عبارتی مدل رگرسیونی می تواند به طور معنا داری (و مناسبی) تغییرات متغیر وابسته را پیش بینی کند. مقدار ضریب همبستگی چندگانه مدل رگرسیونی و ضریب تعیین متغیر نزاع برابر ۰,۹۹۶ و ۰,۹۹۲ است. یعنی ۹۹ درصد از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل تبیین می شود. ضمناً با توجه به آزمون F و اینکه سطح معنی داری محاسبه شده برای این آماره برابر ۰,۰۰۰ بوده و نشان از معنی دار بودن رگرسیون در سطح ۰,۹۹ دارد. بنابراین مدل رگرسیونی خطی برآورد شده مورد قبول است. به عبارتی مدل رگرسیونی می تواند به طور معنا داری (و مناسبی) تغییرات متغیر وابسته را پیش بینی کند.

تحلیل مسیر

جدول (۴) تحلیل مسیر متغیر مصرف مواد مخدر بر اساس متغیر مستقل

سطح معنی داری Sig	t	ضریب استاندارد	ضریب غیر استاندارد		مدل
		ضریب بتا Beta	Std. Error	B	
۰,۰۰۰	-۱۰,۴۲۳		۰,۰۹۵	-۰,۹۸۹	
۰,۰۰۰	۶,۳۳۱	۰,۰۹۷	۰,۰۱۹	۰,۱۲۱	فرهنگ فقر

همانگونه که در جدول فوق ملاحظه می‌گردد مقدار احتمال (Sig) کمتر از ۵ صدم است لذا فرهنگ فقر بر روی متغیر وابسته که مصرف مواد مخدر می‌باشد معنی دار است. به عبارت دیگر تغییر در متغیر مستقل باعث تغییرات معنی دار در متغیر وابسته می‌گردد.

جدول (۵) تحلیل مسیر متغیر سرقت بر اساس متغیر مستقل

سطح معنی داری Sig	t	ضریب استاندارد	ضریب غیر استاندارد		مدل
		ضریب بتا Beta	Std. Error	B	
۰,۰۰۰	-۵,۱۴۵		۰,۲۶۲	-۱,۳۵۰	
۰,۰۰۰	۴,۴۱۲	۰,۰۹۴	۰,۰۳۳	۰,۱۳۳	فرهنگ فقر

همانگونه که در جدول فوق ملاحظه می‌گردد مقدار احتمال (Sig) کمتر از ۵ صدم است. این نشان می‌دهد که اثر فرهنگ فقر بر روی متغیر وابسته که سرقت می‌باشد معنی دار است. به عبارت دیگر تغییر در متغیر مستقل باعث تغییرات معنی دار در متغیر وابسته می‌گردد.

جدول (۶) تحلیل مسیر متغیر وابسته نزاع بر اساس متغیر مستقل

سطح معنی داری Sig	t	ضریب استاندارد	ضریب غیر استاندارد		مدل
		ضریب بتا Beta	Std. Error	B	
۰,۰۰۰	-۶۴,۰۷۹		۰,۰۵۲	-۳,۳۳۰	
۰,۰۰۰	۶,۵۹۴	۰,۰۳۸	۰,۰۱۰	۰,۰۶۹	فرهنگ فقر

همانگونه که در جدول فوق ملاحظه می‌گردد مقدار احتمال (Sig.) کمتر از ۵ صدم است. این نشان می‌دهد که اثر فرهنگ فقر، بر روی متغیر وابسته که نزاع می‌باشد معنی دار است. به عبارت دیگر تغییر در متغیر مستقل باعث تغییرات معنی دار در متغیر وابسته می‌گردد.

نتیجه گیری و پیشنهادات

فقر شهری و رشد شاخص فرهنگ فقر یکی از بزرگ ترین مسائل کلان شهرها است که بستر ساز بسیاری از انحرافات اجتماعی شده است. طبق این پژوهش سطح فرهنگ فقر در میان ساکنان محله باغ خلیج اراک بالا ارزیابی شده و این موضوع با بروز انحرافات اجتماعی در این محله رابطه معنی داری داشته است. فرهنگ فقر زائیده نوع روابط اجتماعی، فقدان اعتماد، تضعیف شبکه های اجتماعی و ساختار نامناسب جامعه است. به زعم اسکار لوئیس، فرهنگ فقر حاصل ترکیب اجتماعی اقتصادی و روانشناختی است که باعث بیکاری طولانی، تزلزل در روابط خانوادگی، درماندگی و احساس وابستگی به دیگران و پایین بودن سطح مشارکت اجتماعی و در نهایت، از دست دادن اعتماد به نفس و بیگانگی از جامعه می‌شود.

کلان شهرها، پدیده ای جدید، پیچیده و شگفت انگیزی هستند که براساس ماهیت شکل گیری و گسترش خود، با مسائل بزرگی در ابعاد اجتماعی، اقتصادی، مدیریتی و فضایی - کالبدی دست به گریبان هستند. جمعیت زیاد، تراکم بالا، آلودگی و ازدحام، نابرابری اجتماعی - اقتصادی، بافت های شهری ناپایدار و مسأله دار، گسیختگی فضایی و تمرکز و تداوم فقر شهری، از مهم ترین مسائل و معضلات این گستره های بزرگ جمعیتی هستند. فقر شهری، معضلی چندبعدی است که افراد را با محدودیت های بسیاری از جمله: دسترسی محدود به فرصت های شغلی و درآمدی، عدم بهره مندی از مسکن و خدمات مناسب، محیط های ناسالم و خشن و عدم بهره مندی از خدمات تأمین اجتماعی و سازوکارهای حمایتی بهداشتی و آموزشی، مواجه می‌کند. (Duclos & Araar, 2007)

در سال ۱۹۹۲ در نخستین اجلاس سازمان ملل در مورد توسعه پایدار در چارچوب نیل به راهبردهای سکونتگاه های پایدار به تأمین مسکن مناسب برای همه، بهبود وضعیت سکونتگاه ها و محل های فقیر نشین توجه شد و در ادامه این کوشش ها، اجلاس سازمان ملل در زمینه مباحث توسعه شهری و مسکن در سال ۱۹۹۵ با عنوان اجلاس چالش شهرهای غیررسمی برگزار و به مسکن فقیران توجه خاصی شد. در اجلاس جهانی فلورانس ۱۹۹۷ نهاد جدیدی به نام همایش جهانی درباره فقر شهری تاسیس شد، اینها مهم ترین اقدامات بین المللی در زمینه فقر شهری بوده است.

راهکارها و پیشنهادات کاربردی این پژوهش مبتنی بر توانمند سازی فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی ساکنان تدوین شده اند. البته پیش شرط و پیش زمینه موفقیت در این ۳ حوزه، به مشارکت طلبیدن ساکنان و بستر سازی برای حضور آنان در طرح ها و برنامه ها است. در راهکارهای نوین ارائه شده در راستای بهبود وضعیت این اسکان ها، تأکید ویژه ای بر مشارکت اجتماعی

ساکنین و یکپارچگی فضایی شهر با این سکونتگاه ها شده است. یکی از راهبردهای بهبود فقر شهری توجه به اجتماعات محلی است. رویکرد توسعه اجتماع محور طی دهه ۱۹۹۰ به طور جدی با پیشگامی بانک جهانی در تحقق بخشیدن به اهداف کاهش فقر شهری به کار گرفته شد. این رویکرد توجه عمده اش معطوف به عملکرد و واکنش بخش مردمی است و به عنوان نظامی مشارکت جو، هدایت کننده و تسهیلگر توسعه محلی در سکونتگاه های غیررسمی است.

در این زمینه مشارکت در اجتماع محلی بسیار مورد تاکید قرار گرفته چنانکه بدون مشارکت فعال ساکنان سکونتگاه های غیررسمی، اقدامات بهسازی نقض کننده اصول مندرج در منشور جهانی حق به شهر است. (Jordhus-Lier, ۲۰۱۳)

مطالعات آکایو در آفریقای جنوبی حاکی از آن است برنامه ریزی اجتماع محور توجه به صدای فقرای شهری و به نوعی سرمایه گذاری در خدمات و زیر ساخت های اجتماعی محلات فقیر نشین را فراهم می آورد. (Akayo ۲۰۱۰: ۲۰-۳۲)

نتایج گروه مطالعات برنامه ریزی و توسعه شهری در دانشگاه مینیزوتا در آمریکا نشان می دهد که برنامه ریزی اجتماع محور می تواند منجر به ارتقای پاسخگویی به صدای فقرا، برقراری پیوند و رابطه بین آنها با نهادهای اداره محلی و افزایش دسترسی فقرا به فرآیندهای اداره محلی، شود در واقع تداوم و استمرار رویکرد توسعه اجتماع محور در بهسازی سکونتگاه های غیررسمی به یک چارچوب نهادی که منجر به تقویت و بازساخت عملکردی نهاد مدیریت محلی منجر می شود. (Crayon, ۲۰۱۰: ۷۹)

بازآفرینی و بهسازی سکونتگاه غیررسمی مجموعه ای از اقدامات است؛ و نبایستی تنها و کاملاً یک جانبه بر روی مسائل کالبدی تمرکز کرد و از مسائل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی غافل شد. زمانی که صحبت از مشارکت می شود الزاماً باید تمهیداتی را در نظر گرفت که ساکن محله های فرودست شهری خودش را یک شهروند بداند و احساس مالکیت کند و نسبت به مسائل حساسیت داشته باشد.

عناصر اصلی این رویکرد مشتمل بر پذیرش سکونتگاه ها و خدمات رسانی به آنها، بهبود تدریجی مسکن موجود از طریق ارتقای امنیت سکونت و بهره گیری از منابع خانوار، ظرفیت سازی در مدیریت شهری و تأکید بر فعالیت های نرم افزاری و توانمندسازی جماعت ها هستند. (UN-HABITAT, ۲۰۰۶a; UN-HABITAT, ۲۰۰۶b; UN-HABITAT, ۲۰۰۳)

بر اساس این دیدگاه دولت ها زمینه ها و تسهیلات بهبود شرایط فقرا را شکل دادند و این جماعات فقیر هستند که خود به عنوان نقش آفرین اصلی راه ارتقای خود را می یابند. در واقع توانمند سازی در این حوزه، ایجاد چارچوب های قانونی، نهادی، اقتصادی، مالی و اجتماعی برای افزایش کارایی اقتصادی و کارآمدی اجتماعی در توسعه ی بخش مسکن فقرا است. (Pugh, ۲۰۰۰: ۳۲۸).

توسعه اجتماع محور به مثابه یک فرآیند و به عنوان ابزاری در ارتقای مشارکت در زمینه های مختلف اقتصادی- اجتماعی به کار گرفته می شود. در کل، توسعه اجتماع محور را می توان به مثابه فرآیندی محسوب کرد که به موجب آن گروه های اجتماع محلی قادر به) کنترل تصمیمات و تخصیص منابع از بالا جهت توسعه محلی می شوند... (Everatt, ۲۰۰۵: ۵)

سیاست توانمند سازی اجتماع محور در محله های فرودست شهری باید در ابعاد مختلف فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی اجرا شود:

الف) توانمند سازی اقتصادی

-توجه به بخش غیر رسمی اقتصاد در محله های فرودست و ساماندهی آن

بخش غیررسمی از توانمندی فراوانی در برنامه ریزی و ساماندهی سکونتگاه های غیررسمی برخوردار است و ساماندهی آن می تواند منافع زیادی را برای بازیگران عرصه شهری، به ویژه کم درآمدان و نیز مدیریت شهری در برداشته باشد. در واقع این نظر وجود دارد که هر برنامه ای برای کاهش فقر، ساماندهی و توانمندسازی محلات غیررسمی بدون توجه به ساز و کارهای اقتصاد محلی که فقرا از آن معیشت می کنند نمی تواند موفق باشد. (ایراندوست، ۱۳۸۷: ۴۲)

بخش غیررسمی به دلیل اهمیتش در ایجاد اشتغال به ویژه در سطح محله های کم درآمد باید بیشتر مورد توجه برنامه ریزان اقتصادی و اجتماعی شهر قرار گیرد. در حقیقت بخش غیررسمی نقش بسزایی در حل مشکل اشتغال در شهرهای در حال توسعه داشته و عنصری تعیین کننده در توسعه شهری است.

-ایجاد بازارچه های خرید و فروش و ساماندهی دست فروشان

-ساخت مراکز فنی و حرفه ای و آموزش مهارت های حرفه ای

-ارائه تسهیلات اشتغال برای ساکنان محله ها

-حمایت از مشاغل خانگی

در توانمندسازی فقرا، اگرچه توانمندسازی سیاسی، مدیریتی و ظرفیت سازی مشارکتی از اهمیت ویژه ای برخوردار است اما توانمندسازی اقتصادی پایه اصلی را تشکیل می دهد که بر بهبود شرایط کاری و درآمدی مردمی که غالباً در بخش غیررسمی شاغل اند استوار است. (صراف، ۱۳۸۱: ۱۰)

ب) توانمند سازی فرهنگی و اجتماعی

-ایجاد اماکن فرهنگی همچون پارک ها و ورزشگاه ها و باشگاه های تفریحی و ورزشی

-نهادسازی و تشکیل انجمن های مردمی و حمایت از اجتماعات محلی

سازماندهی و نهادسازی مدیریتی متناسب برای هدایت و حمایت ساماندهی و اسکان برنامه ریزی شده با مشارکت دو سویه این اجتماعات و نهادهای محلی (به ویژه شهرداری و شورای اسلامی شهرها) برای پایدارسازی اقدامات و برنامه ریزی های اجرایی و تضمین موفقیت آنها ضروری است.

-آموزش های شهروندی در محله های فرودست شهری

آموزش مردم به منظور زمینه سازی برای مشارکت گسترده تر در امور شهری اهمیت به سزایی دارد، در تحقق اهداف موردنظر هر چه مردم نسبت به مسائل آگاه تر شوند، قدرت مسئولیت پذیری آنها نیز به تناسب بالا می رود.

-گسترش و ارتقاء خدمات سازمان بهزیستی، کمیته امداد امام خمینی (ره) و خیریه ها در زمینه های توانبخشی مبتنی بر جامعه، راه اندازی پایگاه خدمات اجتماعی برنامه های اجتماع محور، خدمات مددکاری اجتماعی- روان شناختی، ارائه تسهیلات مالی خرد، فوریت های اجتماعی، برنامه رشد، تکامل و امنیت غذایی کودکان نیازمند به سکونتگاه های غیررسمی با مشارکت سازمان های محلی و غیردولتی مردم نهاد.

توانمند سازی اجتماعات محلی رهیافتی نوین برای حل مساله ی فقر شهری است که دیگر مهندسی ساختمان و تزریق منابع مالی صرف را راهگشا نمی داند، بلکه مهندسی اجتماعی با حمایت و تسهیل بخش عمومی و سازمان های غیر دولتی و محلی و مشارکت فعال مورد نظر است. (هادیزاده بزار، ۱۳۸۲: ۳۷)

به طور خلاصه توانمند سازی اجتماع محلی و توسعه ی محلی رویکردی غیر متمرکز و مشارکتی است و به نوعی مکمل ارتقا بخشی است که در رابطه با تامین حق مالکیت و توسعه ی اقتصادی در محله های فقیر نشین علاوه بر مشارکت در ساخت و ساز و بهبود محله، ضرورت درگیر شدن ساکنان محله در تصمیم سازی و فرایند برنامه ریزی برای تشخیص اولویت های اقدام و حمایت در اجرا را ضروری می داند. (UN-HABITAT, ۲۰۰۳: ۱۳۱)

منابع:

- ایراندوست، کیومرث (۱۳۸۷) جایگاه بخش غیررسمی در توانمندسازی اجتماعات فقیر. نشریه هفت شهر. دوره ۲، شماره ۲۳ و ۲۴، تابستان ۱۳۸۷، صفحه ۴۰-۴۹
- پیران، پرویز (۱۳۷۶) تحلیل جامعه شناختی از مسکن شهری در ایران: اسکان غیر رسمی. نامه انجمن جامعه شناسی. شماره ۲
- صراف، مظفر (۱۳۸۱) به سوی تدوین راهبرد ملی ساماندهی اسکان غیر رسمی، فصلنامه هفت شهر، سال سوم، شماره ۱۰-۹.
- لوئیس، اسکار (۱۹۷۴). فرزندان سانچز. ترجمه: حشمت‌الله کامرانی. چ اول، تهران، هرمس.
- لوئیس، اسکار (۱۳۶۵)، فرهنگ فقر و شناخت آن، ترجمه رجبعلی حاسبی، تبریز: انتشارات نوبل.
- نعمت‌الله، فاضلی (۱۳۸۵) فرهنگ فقر، انجمن جامعه شناسی ایران. نشست علمی.
- هادی زاده بزار، مریم (۱۳۸۲) حاشیه نشینی و راهکارهای ساماندهی آن. مشهد. شهرداری مشهد.

منابع لاتین:

- A kayo, F., ۲۰۱۰, slums in Africa, (new approach) worl Bank.
- Crayon, s., ۲۰۱۰, The solution and problems for housing the poor, university of sheffield
- Curley, A. (۴۱۱۲). Theories of urban poverty and implications for public housing policy. J. Soc. & Soc. Welfare, ۱۴, ۹۲.
- Davis, mike., ۲۰۰۶, planet of slums, new York, verso.
- Divyani. K (۲۰۱۱) An ontology of slum for image-based classification, Computers, Environment and Urban Systems.
- Duclos, J. Y., & Araar, A. (۴۱۱۲). Poverty and equity: measurement, policy and estimation with DAD (Vol. ۴). Springer Science & Business Media.
- Everatt, D., ۲۰۰۵, community development in south, new York.

Hall,P&U. Pfeiffer(2000)Urban: E&FN spon. PP:124-130.

Jordhus-Lier. D & Tsolekile de Wet. P (2013), City Approaches to the Upgrading of Informal Settlements, POLICY BRIEF 10.

Pugh, Cedric (2005), Squatter Settlements, Their Sustainability, Architectural Contributions, and Socio – Economic Roles. in :Cities Vol .17, No 5.

Oscar .Lewis (1974). the children of sanchez -autobiography of Mexican family,penguin books.

UN-HABITAT (2003) The Challenge of Slums: Global Report on Human Settlement 2003, London: Earthscan.

UN-HABITAT (2007) Global Report on Human Settlements 2007: Enhancing Urban Safety and Security, London: Earthscan.

World Bank (1999). Poverty reduction strategies Papers PRSP Sourcebook, Chapter 16: Urban Poverty Deniz Baharoglu and Christine Kessides.